نشریه مکتب احیاء، ۳ (۹)، ۴۸-۶۳/ زمستان ۱۴۰۴
10.22034/3.9.48

مقالهٔ پژوهشی

نما، راوی قدرت

(نمونهٔ مطالعه شده: نماهای بافت قدیمی شهر قم)*

مریم مجیدی[1]**
علیرضا افضلی[2]
۱. گروه معماری منظر، پژوهشکدهٔ هنر، معماری و شهرسازی نظر، تهران، ایران
۲. گروه معماری منظر، دانشکدهٔ معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۱

واژگان کلیدی
سیمای شهر، منظر شهر، نماهای شهری، قدرت، شهر قم

چکیده

تحولات چند دههٔ اخیر در ساخت‌وساز شهری، به‌ویژه در مصالح و سبک‌های معماری، ضرورت توجه به ساماندهی نماهای شهری را افزایش داده است. نماها به‌عنوان عناصر بصری مهم در سیمای شهر، نقش کلیدی در ادراک شهروندان از محیط شهری ایفا می‌کنند. در این میان، تمایز میان «سیمای شهر» به‌عنوان کالبد فیزیکی و «منظر شهر» به‌عنوان تجربهٔ ذهنی و ادراکی شهروندان، اهمیت توجه به کیفیت طراحی نماها را دوچندان می‌کند. شهر قم با جایگاه تاریخی و مذهبی خود، طی سال‌های اخیر تحت تأثیر اقدامات توسعه‌ای، دستخوش تغییرات کالبدی گسترده‌ای شده که تأثیرات مثبت و منفی بر سیما و بالطبع منظر آن، به‌ویژه در بافت تاریخی، برجای گذاشته است. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که دستورالعمل‌های موجود در زمینهٔ ساماندهی نماهای شهری قم، علی‌رغم اهداف ارتقایی خود، در عمل کارایی لازم را نداشته‌اند. این ناکارآمدی به نوعی موجب اغتشاش، بی‌هویتی و نابسامانی در سیمای شهر شده است. این پژوهش با راهبرد کیفی، مبتنی‌بر تحلیل اسناد، مطالعات پیشین، مشاهدات میدانی و پرسش‌نامه باز، به بررسی وضعیت نماهای شهر قم پرداخته و نشان می‌دهد که منظر شهری حاصل تعامل نیروهای مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. ضعف در تشخیص و مدیریت این نیروها توسط نهادهای شهری، عامل اصلی نابسامانی موجود تلقی می‌شود. در نتیجه، توانمندسازی مدیریت شهری در شناخت و بازتوزیع صحیح نیروهای مؤثر، شرط لازم برای ارتقای کیفیت سیما و به دنبال آن منظر شهر قم خواهد بود.

* این مقاله برآمده از طرح پژوهشی «تبیین رویکرد ارتقای منظر شهری قم» است که زیرنظر سازمان بهسازی، نوسازی و زیباسازی اطراف حرم مطهر حضرت معصومه (س) در پژوهشکدهٔ هنر، معماری و شهرسازی نظر، با راهبری دکتر سیدامیر منصوری انجام شده است.
** نویسنده مسئول: ۰۹۳۶۳۲۶۱۱۷۸، maryam.majidi@nazar.ac.ir
This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]
[DOI: 10.22034/3.9.48]

مقدمه و بیان مسئله

فقدان هویت، نابسامانی و اغتشاش بصری از مهمترین انتقاداتی است که امروزه بر سیمای شهرها وارد است. منظر شهرهای امروز ایران نیز بی‌نظم، آشفته و نابسامان است و این موضوع، ناشی از هم‌نشینی ناهمگون و نامتجانس کالبد، فعالیت و فضا (اتفاقات درون شهر) در مقیاسی کلی و در مقیاس‌های خُردتر، ناشی از عدم هماهنگی و تناسب در ترکیب عناصر (اجزا و ارکان) بناهایی است که در کنار یکدیگر شکل گرفته‌اند و به نمای شهری شکل داده‌اند (Atarod & Kashi, 2018). تحولات چند دهۀ اخیر چه در مصالح و چه در تنوع سبک‌ها و چه به‌دلیل سرعت در ساخت‌وساز موجب شده است ضرورت توجه به نما و نیز ساماندهی بدنه‌ها و نماهای شهری مورد توجه قرار گیرد (Khakzand et al., 2014). نماهای شهری به‌عنوان بخشی مهم از سیمای شهر محسوب می‌شوند. واژۀ «سیما» تأکید ویژه‌ای بر جنبه‌های بصری شهر دارد. در واقع سیما به شکل ظاهری شیء دلالت دارد، بدون آن‌که به معنا و تفسیر حاصل از آن اشاره کند، لذا فارغ از دریافت و ادراک و حضور ناظر و در غیاب وی نیز قابل توصیف است. بنابراین سیما به هر آن چیزی اشاره دارد که به‌صورت بصری نمایان و قابل‌ادراک است. در واقع سیمای شهر، همان فیزیک و کالبد شهر و موجودیتی بصری است و شامل همۀ عناصری است که در ترکیب با یکدیگر، جلوۀ ظاهری فضای شهر را می‌سازند و مفهومی متفاوت از «منظر شهر» است. در این میان نمای ساختمان‌ها نیز جزئی از بدنۀ شهر و جزء اولین عناصری هستند که هنگام قدم‌زدن در شهر در معرض دید و سپس آگاهی انسان قرار می‌گیرد. منظر شهر اما، پدید آمده از تجربۀ انسان در فضای شهری، در برگیرندۀ حوادث و خاطرات شهروندان و در ارتباط با فرم و کالبد است. منظر شهری دانش شناخت مفهوم شهر نزد شهروندانی است که در طول تاریخ در آن محیط زیسته‌اند و با کالبدهای طبیعی و مصنوع محیط ارتباط معنایی تولید کرده‌اند. از آنجا که منظر شهری، کالبد و کیفیت شهر را توأمان دربر می‌گیرد، می‌توان ادعا کرد که ادراک شهر، همان تفسیر منظر شهری است که از طریق تجربۀ انسان در محیط رخ می‌دهد. منظر شهر ادراک شهروندان از شهر است که از خلال نمادهای آن (که نماهای شهری نیز جزئی از آن هستند) به‌دست می‌آید. بنابراین می‌توان گفت منظر شهر یک «کل» است که وجه عینی و ذهنی آن قابل تفکیک نیست و از طریق تجربۀ انسان و در تعامل میان انسان و محیط آشکار می‌شود. اگرچه منظر شهر، بر اساس اصالت بعد معنایی شهر پدید آمده، اما در نگاهی واقع‌گرا، کارکردها و کالبد شهر را ابزار کنترل و هدایت منظر شهر می‌شناسد. بنابراین نماها موقعیتی برای ارتقای کیفیت ادراک شهر هستند و اصلاح بدنه‌ها و نماهای شهر می‌تواند از طریق تأثیر بر ادراک شهروندان از شهر و ایجاد تجارب مختلف در محیط، منجر به ارتقای کیفیت منظر شهر شوند. اهمیت دیگر پرداختن به مسئلۀ نما در شهرها از این جهت است که بحث نماسازی در ساختمان و ساخت بدنۀ شهری یک بحث هویتی و فرهنگی است (Zarif et al., 2022). نماها و جداره‌های شهری بخشی از کالبد شهر که نقشی مهم در هویت هر شهر دارند و وجود ضوابط و قوانین در ایجاد آنها باید منجر به حرکت به سمت خلق یک کلیت هماهنگ در شهر شود. اجرای این قوانین باید موجبات افزایش کیفیت سیمای شهر و به دنبال آن منظر شهر را فراهم آورند. بنابراین توجه به اصول طراحی نما و جداره‌های شهری، همراه با رعایت ضوابط جهت هماهنگی با هویت محلی، می‌تواند کیفیت منظر شهری، و به دنبال آن هویت فرهنگی و تجربۀ بصری شهروندان را به‌طور قابل توجهی ارتقا دهد. شهر قم به‌عنوان یکی از شهرهای مهم تاریخی و مذهبی ایران با محوریت حرم حضرت معصومه (س)، در طول سالیان دستخوش تغییراتی به‌واسطۀ اقدامات توسعه‌ای شده است. بالطبع این اقدامات تغییراتی (مثبت و منفی) در سیمای این شهر و از جمله نماهای آن را موجب شده است. تأمل بر وضعیت حال حاضر سیمای این شهر و به‌ویژه نماهای آن و همچنین در نظرات صاحب‌نظران حکایت از آن دارد که نماهای این شهر، علی‌الخصوص در بافت تاریخی آن که در واقع شناسنامه این شهر را تشکیل داده و در ادراک ساکنان از این شهر نقش کلیدی دارد، از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و به نظر می‌رسد دستورالعمل‌هایی همچون «دستورالعمل و ضوابط نما و سیمای شهر قم» و «دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم» نیز که با هدف ارتقای سیما و منظر شهر قم ایجاد شده‌اند، علی‌رغم فلسفۀ وجودیشان نتوانسته‌اند به لحاظ کاربردی مؤثر واقع شوند. از این حیث به نظر می‌رسد مدیریت شهری که می‌بایست وظیفه کنترل و ساماندهی سیمای شهر را بر عهده داشته باشد، از قدرت لازم برخوردار نبوده است و تشتت اقدامات مدیریت شهری موجب نابسامانی، بی‌هویتی و اغتشاش در سیمای شهر قم شده است (تصاویر ۱ و ۲). این مقاله با هدف شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌گیری نابسامانی سیمای شهری قم با تمرکز بر نماها و بررسی و تبیین نحوۀ بازنمایی روابط و قدرت‌های حاکم در آن‌ها بر اساس رویکردهای نظری مرتبط، در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که مهمترین علل نابسامانی سیمای شهر قم چیست؟ چه قدرت‌هایی بر نماهای شهر قم مسلط هستند؟ در همین راستا این پژوهش بر این فرض استوار است که به نظر می‌رسد نوعی بی‌قدرتی بر مدیریت نماهای شهر قم حاکم است که بالطبع بر منظر شهر قم نیز تأثیر گذاشته است. عدم قدرت و تشتت اقدامات موجب عدم بازدهی ضوابط و در نتیجه نابسامانی، بی‌هویتی و اغتشاش در سیمای شهر قم شده است.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]

[DOI: 10.22034/3.9.4

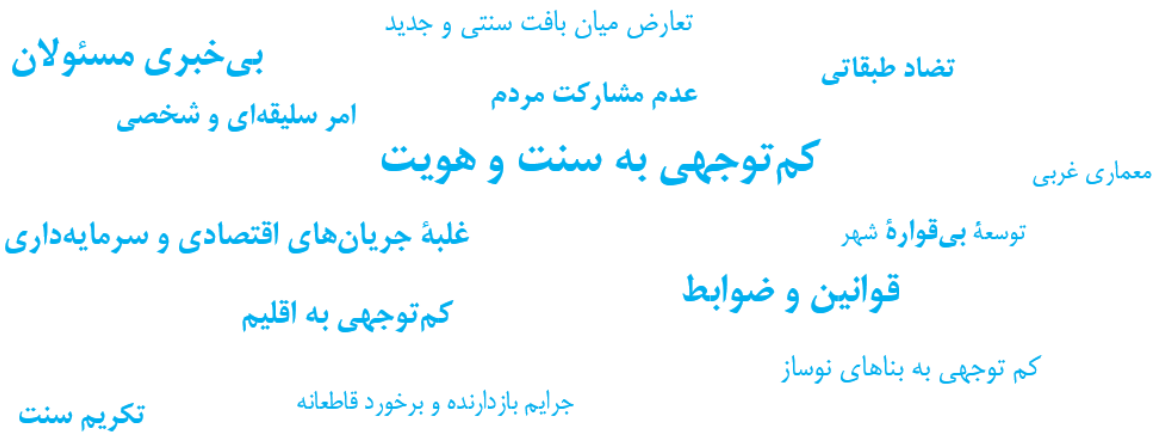

تصویر ۱. مهمترین مسائل نما در شهر قم، برگرفته از تحلیل محتوای اخبار موجود در رسانه‌ها از نظرات متخصصان و مدیران شهر قم. مأخذ: نگارندگان.

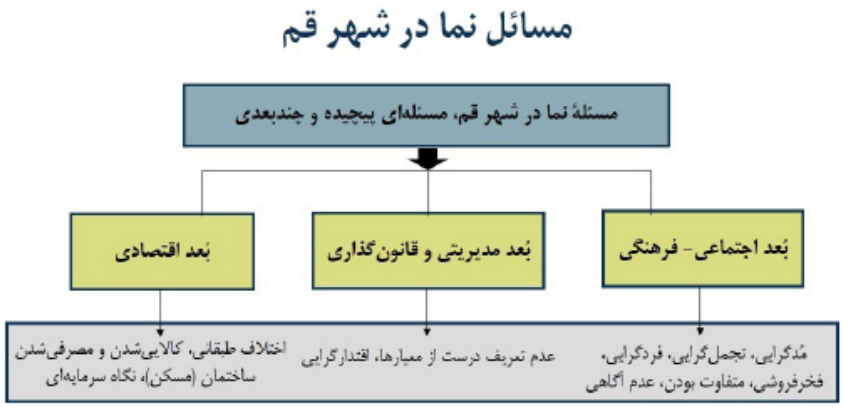

تصویر ۲. به نظر می‌رسد مهمترین مسائل نما در شهر قم در سه بعد اجتماعی-فرهنگی، مدیریتی و قانون‌گذاری و اقتصادی وجود دارند. مأخذ: نگارندگان.

پیشینهٔ پژوهش

این مقاله بر دو دسته از پژوهش‌ها تمرکز داشته است. دستهٔ اول پژوهش‌هایی که به موضوع نما و ارتباط نما با منظر شهر پرداخته‌اند. به‌طور مثال عطارد و کاشی در مقاله‌ای به بررسی عناصر تشکیل‌دهندهٔ نماها و جداره‌های شهری پرداختند و نشان دادند که بی‌توجهی به هماهنگی و تناسب میان اجزای کالبدی ساختمان‌ها موجب اغتشاش بصری در سیمای شهرهای ایران شده است. آن‌ها تأکید کرده‌اند که طراحی نماها باید با احترام به زمینه و با درک صحیح از عناصر بصری صورت گیرد تا بتواند به ارتقای منظر شهری کمک کند (Atarod & Kashi, 2018). غیابی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقش نما و جداره‌ها در منظر شهری با تأکید بر زیبایی‌شناسی محیط» بیان می‌کند که رشد سریع شهرنشینی و استفاده از راه‌حل‌های نامتجانس در طراحی شهری، منجر به نازیبایی و آشفتگی در منظر شهرها شده است. وی شاخص‌های زیبایی‌شناسی جداره‌ها را به دو دستهٔ عینی (مانند خط آسمان، کنترل ارتفاع، زمینهٔ جداره) و ذهنی (مانند تداوم، تناسب، رنگ، نظم) تقسیم کرده و نقش آن‌ها را در ارتقای منظر شهری برجسته ساخته است. مارتینلی (Martinelli, 2019) معتقد است نما نه صرفاً یک سطح دوبعدی بلکه یک فضای سکونت‌پذیر است که دیوار میان دو جهان - خصوصی/عمومی، معماری/شهر- را شکل می‌دهد. نما تبدیل به فضایی می‌شود که تجربهٔ ارتباط با محیط بیرونی یا درون بنا را از طریق حضور و تعامل واقعی ممکن می‌سازد. این نگاه، وجه اجتماعی و فضاسازی نما را برجسته می‌سازد و اذعان می‌کند نما می‌تواند ابزاری برای تعاملات شهری و تجربهٔ زندگی جمعی در مقیاس ساختمان و شهر باشد. عالیشاه و همکاران (Alishah et al., 2016) در مقالهٔ خود به بررسی نقش نماها در منظر شهری پرداخته‌اند و نشان می‌دهند که نماهای ساختمان، بیش از آنکه صرفاً پوششی برای ساختار باشند، نقش مهمی در انتقال پیام‌های هویتی شهری و تقویت پیوند روانی مردم با محیط دارند. آن‌ها معتقدند نما اگر به‌درستی طراحی شود، می‌تواند

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]
[DOI: 10.22034/3.9.48]

هم‌خوانی بصری شهر را حفظ کرده و باعث آرامش و تعلق خاطر در شهروندان شود.

دستهٔ دوم، پژوهش‌هایی که به بررسی ارتباط نما و موضوع قدرت در شهر پرداخته‌اند. در این زمینه در مقالهٔ «بررسی و تحلیل عناصر قدرت شهری در دوره‌های تاریخی و معاصر» (Rahimi, 2018)، نویسنده به تحلیل چگونگی تأثیرات قدرت سیاسی بر ساختار و فرم فضاهای شهری در ادوار مختلف تاریخ ایران می‌پردازد. در این تحقیق، شهر به‌عنوان آیینه‌ای از تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف بررسی شده است. هفرنان (Heffernan, 2024) به تحلیل چگونگی استفاده از طراحی شهری و معماری به‌عنوان ابزارهای قدرت در سه شهر پاریس، الجزیره و وین می‌پردازد و نماهای شهری را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در این زمینه معرفی می‌کند. وی استدلال می‌کند نماهای شهری نه‌تنها جنبه‌های زیبایی‌شناختی دارند، بلکه به‌عنوان ابزارهایی برای اعمال قدرت و کنترل اجتماعی عمل می‌کنند. در این مقاله، نماهای شهری به‌عنوان «پوسته‌های مادی» معرفی می‌شوند که می‌توانند رفتار انسان‌ها را شکل دهند و محدود کنند. در نهایت، وی تأکید می‌کند که طراحی شهری و نماهای شهری نه‌تنها نمایانگر هویت فرهنگی و تاریخی یک شهر هستند، بلکه ابزارهایی برای اعمال قدرت و کنترل اجتماعی نیز به‌شمار می‌روند. بنابراین، تحلیل نماهای شهری می‌تواند به درک بهتری از ساختارهای قدرت و روابط اجتماعی در شهرها کمک کند. جونز (Jones, 2011) بر این باور است که معماری نه صرفاً یک فعالیت زیبایی‌شناسانه، بلکه عرصه‌ای است که قدرت سیاسی و هویت فرهنگی از طریق آن بازنمایی می‌شوند. در واقع، معماری زمینه‌ای کلیدی برای ورود به بحث ساخت و تثبیت هویت جمعی است. وی معتقد است پروژه‌های معماری اغلب به‌وسیله دولت‌ها یا نهادهای قدرتمند سفارش داده می‌شوند؛ این پروژه‌ها نه‌تنها قرار است مکانی برای فعالیت رسمی باشند، بلکه بازتابی از تغییرات سیاسی-اقتصادی و پیام‌آور تعلق جامعه به ارزش‌ها و هویت‌های خاص هستند. او با استفاده از چارچوب نظری بوردیو، معماری را به‌عنوان عرصه‌ای برای جدال نمادین و بازتولید اجتماعی می‌بیند. در این دیدگاه، معماری ابزاری برای مشروع‌سازی روابط قدرت و بازآفرینی نظم اجتماعی است. نما نیز به‌عنوان بخشی از فرم معماری، رسانه‌ای از قدرت و هویت است. راجر (Rodger, 2023) در مقالهٔ خود به‌طور ویژه به نقش نماهای شهری در ساخت حافظهٔ جمعی شهرهای دوران ویکتوریایی می‌پردازد. نویسنده بررسی می‌کند که چگونه تزئینات ساده روی نماهای مسکونی مانند نشان‌ها، تاریخ‌ها، نام خانه‌ها و تصاویر نمادین نقش «سرنخ‌های نمادین»[1] در فضای شهری دارند. این جزئیات کوچک به شکل‌گیری هویت محل، خاطره‌پذیری و احساس تعلق کمک می‌کنند. برای مثال، المان‌هایی چون نشان‌های خانوادگی یا نمادهای هویتی روی نما، انتقال مفاهیم قدرت و میراث فرهنگی را ممکن می‌سازند—همین عناصر کوچک، حامل سرمایهٔ فرهنگی و سمبولیک هستند. آلکاراز (Alcaraz, 2024)، در مقالهٔ خود به بررسی چگونگی استفادهٔ حکومت (در نظام‌های غیردموکراتیک) از معماری و نما به‌عنوان ابزار تثبیت قدرت پرداخته است. نویسنده نشان می‌دهد در ساخت مسکن‌های دولتی ترکیب مصالح با تصاویر نمادین مانند چهره چاوز روی دیواره‌های شهری باعث ادغام کنترل مادی و نمادین شده است. این ترکیب، تأکیدی است بر این‌که نما می‌تواند علاوه‌بر نقش کاربردی، حامل ایدئولوژی باشد و نقش قدرت را در سطح شهری تقویت کند. پولا و پرنا (Pula & Perna, 2023) معتقدند معماری به‌عنوان «متافور» شناخته شده که ترجمان بصری ارادهٔ سیاسی در فضای شهری است. نما نشانه‌گذار ایدئولوژی سیاسی است—از طریق فرم، سبک و پرداخت‌های ظاهری. بنابراین نما یکی از ابزارهای ایجاد پیام بصری ایدئولوژیک محسوب می‌شود. بنکوویچووا (Benkovičová, 2024) به‌طور نظری بررسی می‌کند که چگونه معماری—که نما نیز جزئی از آن است—به چهار شبکهٔ قدرت اجتماعی (یعنی ایدئولوژیک، اقتصادی، سیاسی، نظامی) متصل است. وی چهار راه برای شناخت نمای قدرت شامل: نحوهٔ استفاده از معماری برای کسب قدرت، نمایان ساختن قدرت، تأثیر محیط ساخته‌شده بر کنترل رفتار یا حتی فکر افراد و نما به‌عنوان شاخص تغییر قدرت را مطرح می‌کند. همچنین ویژگی‌هایی مانند حجم، تزئینات، مرزبندی، موقعیت مکانی و همچنین یادبودی بودن[2] را از نشانه‌های مهم قدرت بیان می‌کند.

روش پژوهش

این مقاله از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی و راهبرد آن کیفی است. روش انجام پژوهش به‌طورکلی استدلال منطقی است. فنون گردآوری اطلاعات در این پژوهش شامل سه مرحله است: مرحلهٔ اول، استفاده از اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای است. در این مرحله منابع مرتبط با موضوع نماهای شهری، ارتباط نما با منظر شهری و ارتباط نما با موضوع قدرت در شهرها بررسی شدند و مبانی نظری حول این مفاهیم شکل گرفت. در همین مرحله، با توجه به محدودهٔ پژوهش که شهر قم است، اسناد بالادستی شهر قم شامل دو سند که به‌طور خاص مرتبط با نما بودند، شامل «دستورالعمل ساماندهی نماهای شهر قم» و

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]

[DOI: 10.22034/3.9.4

«دستورالعمل و ضوابط نما و سیمای شهری قم» بررسی شدند و یافته‌های مرتبط با این بخش جمع‌آوری و به روش استدلال منطقی تحلیل شد. مرحلهٔ دوم، مشاهدات میدانی است که با حضور پژوهشگران در شهر قم (به‌طور خاص محدودهٔ قدیمی و اطراف حرم شهر قم) و عکسبرداری از نماها، اطلاعات این بخش گردآوری شد. اطلاعات حاصل از این مرحله جهت تطبیق با مرحلهٔ قبلی صورت گرفت. تحلیل یافته‌ها در این بخش نیز براساس تطبیق معیارهای ادبیات پژوهش با مشاهدات و استدلال نگارندگان انجام شد. مرحلهٔ سوم گردآوری اطلاعات شامل مطالعهٔ پیمایشی است که از طریق پرسش‌نامه با سؤالات باز طراحی و در دو گروه انجام شد. گروه اول، شامل اساتید رشتهٔ معماری، معماری منظر و شهرسازی دانشگاه‌های مختلف کشور از جمله تهران، بین‌المللی امام خمینی(ره)، هنر شیراز و بوعلی سینا همدان و مازندران بود و گروه دوم مصاحبه‌ها، با چند تن از مدیران شهری، اساتید دانشگاهی شهر قم و معماران فعال شهر قم که انتظار می‌رفت هم اطلاعات بیشتری در خصوص مسائل نما در شهر قم داشته باشند و هم بیشتر با مسائل مربوط به آن درگیر باشند، انجام شد. سؤالات به این دلیل به‌صورت باز طراحی شدند که نظرات کاملاً بیان شوند و عوامل به‌صورت تفسیری-اکتشافی شناسایی شوند. مرحلهٔ سوم گردآوری اطلاعات به جهت ارتباط مبانی نظری با واقعیت‌های موجود صورت گرفت. روش نمونه‌گیری در این مرحله به‌صورت هدفمند و به‌دلیل استفاده از نظرات افرادی بود که تخصص و تجربهٔ بیشتری در این زمینه داشتند. در نهایت یافته‌های حاصل از این سه بخش با استفاده از استدلال منطقی تحلیل، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شد.

ادبیات پژوهش

• سیما یا منظر؟ بررسی تفاوت ماهوی سیما و منظر

در حوزهٔ طراحی شهری کلمهٔ منظر بیشتر با اصطلاحاتی چون «منظر شهر» و «سیمای شهر» شناخته شده است. از این رو صاحبنظران، گاه با تمیز دادن این واژگان از یکدیگر و به تأسی از کوین لینچ که در کتابش به نام «The Im-age of the City» برای اولین‌بار در نیمهٔ دوم قرن بیستم این مفهوم را به ادبیات تخصصی طراحی شهری اضافه کرد، به‌صورت «سیمای شهر» به ترجمهٔ فارسی در آمد و تأکید ویژه‌ای بر جنبه‌های بصری منظر دارد. واژهٔ «سیما» در فرهنگ معین، در معنای چهره، قیافه و علامت و هیئت، آورده شده است. سیما به شکل ظاهری شیء دلالت دارد بدون آن‌که به معنا و تفسیر حاصل از آن اشاره کند، لذا فارغ از دریافت و ادراک و حضور ناظر و در غیاب وی نیز قابل توصیف است (Kasravi & Hashemizadegan, 2023).

بنابراین سیما به هر آن چیزی اشاره دارد که به‌صورت بصری نمایان و قابل‌ادراک است؛ یعنی همهٔ اطلاعات بصری که ناظر از فضا دریافت می‌کند. در واقع سیمای شهر، همان فیزیک و ظاهر شهر است و شامل همهٔ عناصری است که در ترکیب با یکدیگر، جلوهٔ ظاهری فضای شهر را می‌سازند و مفهومی متفاوت از منظر شهر است (همان). منظر شهر اما، پدید آمده از تجربهٔ انسان در فضای شهری، در برگیرندهٔ حوادث و خاطرات شهروندان و در ارتباط با فرم و کالبد است. از آنجا که منظر شهری، کالبد و کیفیت شهر را توأمان دربر می‌گیرد، می‌توان ادعا کرد که ادراک شهر همان تفسیر منظر شهری است (Atashinbar, 2009). منظر شهر ادراک شهروندان از شهر است که از خلال نمادهای آن به‌دست می‌آید (منصوری، ۱۳۸۹). در واقع منظر شهری به‌عنوان نوعی از منظر که به مقولهٔ شهر و زندگی شهری می‌پردازد، درپی یافتن معیارهایی برای بالابردن کیفیت و مطلوبیت شهرها و درک درست انسان‌ها از آن است. همچنین این رویکرد با توجه به فرهنگ و زمینه و حفظ تداوم تاریخی، شهر را هویتمند ساخته و آن را با تاریخش در اتصال نگاه می‌دارد (Zandieh & Goodarzian, 2014) . بنابراین می‌توان گفت منظر شهر همان ادراکات ما از شهر است و پدیده‌ای است «عینی-ذهنی» که از طریق تجربهٔ انسان و در تعامل میان انسان و محیط آشکار می‌شود. بنابراین انسان و ادراکات او از شهر، نقش تعیین‌کننده‌ای در فهم منظر شهری دارند و هر یک بدون دیگری فاقد معناست. اگرچه منظر شهر، بر اساس اصالت بعد معنایی شهر پدید آمده، اما در نگاهی واقع‌گرا، کارکردها و کالبد شهر را ابزار کنترل و هدایت منظر شهر می‌شناسند (منصوری، ۱۳۸۹). بنابراین، سیما به جنبه‌های کالبدی شهر اشاره دارد و مستقل از حضور ناظر نیز قابل توصیف است. ماهیتی عینی دارد و حاصل ترکیب عناصر کالبدی در شهر است. منظر شهر اما حاصل تجربهٔ ذهنی و ادراکی انسان از محیط شهری است. شامل برداشت‌ها، خاطرات، نمادها و معناهایی است که شهروندان از شهر دریافت می‌کنند. منظر شهر ترکیبی از فرم، عملکرد و معناست که در ذهن ناظر شکل می‌گیرد. ماهیتی ذهنی و تفسیری دارد و از تعامل انسان با محیط شهری پدید می‌آید. به‌عبارت دیگر، سیمای شهر «آنچه دیده می‌شود» است، و منظر شهر «آنچه درک می‌شود». تمرکز این مقاله بر سیمای شهر و نقش آن بر منظر شهر است.

• نقش و اهمیت نماها و جداره‌های شهری در منظر شهر

نماها بخش غالب در ساختمان‌های شهر هستند و در نگاه اولیه شهروندان نقشی محوری در انتقال پیام‌های شهری

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]
[DOI: 10.22034/3.9.48]

ایفا می‌کنند. جداره و نما به‌عنوان حد فاصل درون و بیرون ساختمان‌ها، موضوع اصلی ارزیابی عابرین و ساکنین فضای عمومی شهرها بوده و تأثیر بسیاری بر تصویر ذهنی شهروندان دارد (Esmaili et al., 2020). نماها (به‌عنوان بخشی از سیمای شهر) چهرهٔ مسلط کالبد شهر هستند. این بدنه‌های شهری از مؤثرترین عناصر تأثیرگذار بر کیفیت فضاهای شهری محسوب می‌شوند. از در کنار هم قرارگرفتن نمای ساختمان‌های مختلف، سیمای شهر شکل می‌گیرد و اصلاح بدنه‌های می‌تواند منجر به بالا رفتن کیفیت منظر شهر شود (Khakzand et al., 2014). نما و جداره شهری در واقع نقطهٔ اتصال بین معماری و شهر هستند. هنگامی که این عناصر دارای هماهنگی بصری با محیط و ارزش‌های زیبایی‌شناسانه باشند، به طور قابل توجهی منظر شهری را ارتقا می‌دهند (غیابی، ۱۴۰۱). نماها یکی از مؤثرترین عناصر تأثیرگذار بر ادراک بصری شهر هستند و به‌دلیل اهمیت بصری اجتماعی‌تری که در شهر دارند، به‌عنوان یکی از اجزای اصلی بدنه‌های شهری باید مورد توجه قرار گیرد. نمایی که بتواند تصویر مناسبی از خود به‌جای بگذارد، می‌تواند نقش اجتماعی نیز داشته باشد و منجر به ارتقای هویت شهری شود. نما و سیمای شهری، حاوی اولین پیام‌ها در چشم‌انداز شهروندان است. بنابراین از آنجایی که منظر شهر ادراک شهروندان از شهر از خلال نمادهای آن است، نماها به‌عنوان اولین اجزای شهر که در مقابل دیدگان شهروندان قرار می‌گیرند، نقشی مهم در منظر شهر دارند.

- معیارهای تأثیرگذار نما بر کیفیت منظر شهر براساس اهداف منظر شهر

الف) مؤلفه‌های کالبدی (بصری، زیباشناسانه): این دسته به ویژگی‌های عینی و قابل مشاهدهٔ نما مرتبط است. این مؤلفه‌ها در پژوهش‌های مختلف با چند معیار بررسی و سنجیده می‌شوند. اول تناسبات و مقیاس که به هماهنگی ابعاد ساختمان با ابعاد انسانی و مقیاس بافت اطراف؛ نسبت ارتفاع به عرض خیابان و ریتم تکرار عناصر مرتبط است. ریتم و تکرار دومین معیار است که به نحوهٔ چیدمان منظم یا متنوع بازشوها، ستون‌ها، بالکن‌ها و سایر جزئیات در بدنهٔ شهری می‌پردازد (Cullen, 1961). مصالح و بافت به انتخاب متریال بر اساس دوام، هماهنگی با بافت تاریخی، و خوانایی بصری اشاره دارد (Lynch, 1960). رنگ و هماهنگی و انسجام بصری اشاره به استفاده از پالت رنگی متناسب با اقلیم و فرهنگ محلی؛ پرهیز از تضادهای آزاردهنده دارد (Porta & Rene, 2019). عناصر و جزئیات معمارانه به کاربست نماهای فعال، سایه‌اندازها، شیشه‌کاری، گچبری، و عناصر بومی می‌پردازد که از مؤلفه‌های کالبدی نما محسوب می‌گردد (Trancik, 1986). به‌طورکلی انسجام بصری، تنوع، ارتباط بصری با فضاهای عمومی، وجود در و پنجره‌های فعال (مثل فروشگاه‌ها و کافه‌ها)، از عوامل مأثر بر کیفیت جداره‌ها هستند.

ب) مؤلفه‌های فعالیتی، عملکردی و رفتاری: نماها تنها یک پوستهٔ زیبا نیستند، بلکه در عملکرد فضا و تعاملات شهری نقش مهمی دارند. تعامل با فضای عمومی از عملکردهای نماست (Gehl, 2010; Martinelli, 2019). شفافیت و نفوذپذیری بصری نما در سطح خیابان برای دعوت از عابران، اهمیت ویژه‌ای دارد. مارتینلی (Martinelli, 2019) با تمرکز بر وجه اجتماعی نما، نما آن را نه صرفاً یک سطح دوبعدی بلکه یک فضای سکونت‌پذیر می‌داند که دیوار میان دو جهان - خصوصی/عمومی، معماری/شهر- را شکل می‌دهد و معتقد است نما تجربهٔ ارتباط با محیط بیرونی یا درون بنا را از طریق حضور و تعامل واقعی ممکن می‌سازد. جیکوبز (Jacobs, 1961) با اشاره به اصل «چشم‌های خیابان» معتقد است طراحی نما باید به‌گونه‌ای باشد که فضاهای شهری روشن و قابل نظارت باشند که به ایمنی و امنیت توجه دارد. برخی پژوهشگران نیز با اهمیت به ویژگی‌های اقلیمی، موضوع پایداری نما را مورد توجه قرار داده‌اند (Yeang, 2006). قابلیت تغییر کاربری و تطبیق نما با نیازهای آینده بدون از بین‌بردن هویت کلی از دیگر موضوعاتی است که برخی پژوهشگران به آن اشاره کرده‌اند و به معنای انعطاف‌پذیری و تطبیق با شرایط است (Dovey, 2016). نماها بهتر است تضادهای بصری ایجاد نکنند. جداره‌های فعال و پویا باعث افزایش امنیت و جذابیت محیط شهری می‌شوند و بهبود کیفیت زندگی شهروندان را در پی دارند.

ج) مؤلفه‌های معنایی (هویتی، فرهنگی، تاریخی): این دسته از مؤلفه‌ها با ارزش‌ها، خاطرات و حس مکان مرتبط است. پژوهشگرانی همچون رلف (Relph, 1976) معتقدند هویت و فرهنگ محلی به معنای بازتاب تاریخ، فرهنگ، و سنت‌های ساخت‌وساز محلی در نما اهمیت ویژه‌ای دارد. از این‌رو تقلیدی نبودن، در نماها مهم است. آشنایی و تکرار مناظر آشنا در فضاهای عمومی شهری حس غربت و اضطراب آن را از بین می‌برد، به مردم در مسیریابی نیز کمک می‌کند و از گم‌شدن احتمالی و ترس ناشی از آن جلوگیری می‌کند. در واقع آشنایی به معنای قابل درک‌بودن برای انسان است. نماها می‌توانند به‌عنوان عناصری آشنا در شهر عمل کرده و کمک کنند که افراد قرائت بهتری از شهر داشته باشند. خوانایی اصولاً به درجه‌ای از درک یک فضا و وضوح آن برمی‌گردد و اینکه فضای مورد نظر از یک الگوی منسجم برخوردار باشد. وقتی فضایی خواناست، به احساس راحتی

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]
[DOI: 10.22034/3.9.4

و امنیت کمک می‌کند و برعکس آن، باعث می‌شود که فضا گیج‌کننده شود و امنیت کاهش یابد. نما و جداره‌های شهری باید قابل فهم، منسجم و قابل تشخیص باشند تا تجربهٔ ادراکی مطلوب برای شهروندان ایجاد شود. توانایی نما در کمک به تشخیص مکان و جهت‌یابی در شهر اهمیت ویژه‌ای دارد (Lynch, 1960). نماها با عملکرد نشانه‌ایشان در شهر، نقش مهمی در این خوانایی دارند و می‌توانند حس تعلق ایجاد کنند. حس تعلق و ایجاد حس مالکیت و دلبستگی ساکنان به فضای شهری گزینهٔ دیگری است که در ارزیابی نماها اهمیت دارد (Carmona et al., 2021).

• موضوع «قدرت» در شهر و ارتباط آن با نماهای شهری

شهرها صرفاً واحدهای اداری یا اقتصادی نیستند؛ بلکه میدان اصلی ستیز و اعمال قدرت میان حکومت‌ها، سرمایه‌داران و مردم هستند (Parker, 2003). قدرت[3] مفهومی درونی یا ظرفیتی است، به معنای ظرفیت یا توانایی انجام کاری را داشتن (Nezhadbahram & Jalili, 2020). قدرت بیشتر به معنای اثرگذاری بر رفتار یا شرایط دیگران است و می‌تواند مشروع یا نامشروع و عادلانه و یا ناعادلانه باشد. این مفهوم با سلطه[4]، اقتدار[5] و زور[6] متفاوت است. سلطه نوعی سیادت و کنترل را دربر دارد. نوعی رابطهٔ پایدار و نهادینه از قدرت که در آن یک طرف بر دیگری کنترل مداوم دارد. ماکس وبر معتقد است سلطه یعنی «احتمال اطاعت گروهی از افراد از دستور خاصی». اقتدار به حوزهٔ هنجاری اشاره دارد و بر نوعی رضایت و اختیار دلالت می‌کند. درواقع شکلی از قدرت است که مشروعیت پیدا کرده است. زور بخشی از قدرت است اما معادل قدرت نیست، بلکه استفادهٔ مستقیم از اجبار فیزیکی یا تهدید است. بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت قدرت توان انجام عمل، اثرگذاری بر دیگران و کنترل منابع است، اقتدار، قدرتی که مشروعیت دارد و پذیرفته شده است، سلطه، رابطهٔ پایدارِ اطاعت و فرمانبرداری است و زور اعمال مستقیم قهر برای تحمیل خواسته است. فوکو «قدرت» را هم مفهومی منفی و متکی بر اعمال زور می‌داند و هم مفهومی مثبت و توان‌ده. مفهومی که تولید دانش می‌کند و معتقد است دانش و قدرت متضمن یکدیگرند (Nezhadbahram & Jalili, 2020). فوکو همچنین یادآوری می‌کند، قدرت هرگز در مورد یک دوگانهٔ ساده بین کسانی که سلطه دارند و کسانی که تحت سلطه هستند نیست؛ بلکه، قدرت از طریق اَعمال مادی و گفتمانی که دسته‌های هنجاری تعلق (مانند نژاد و جنسیت) را می‌سازند، درونی و انتقال داده می‌شود قدرت نه‌تنها به صورت ساختاری، بلکه از طریق بازیگران انسانی نیز منتقل می‌شود. از این دیدگاه، مردم به‌عنوان مصرف‌کنندگان منفعل عمل نمی‌کنند و فقط انتقال‌دهندگان نظم‌یافتهٔ قدرت نیستند (Majidi & Hashemizadegan, 2025). بر همین اساس می‌توان گفت منظرهای شهری نیز صرفاً «بیان ارزش‌ها، قراردادها، آداب و رسوم و شیوه‌های یک دولت» نیست، بلکه بیشتر ارزش‌های گروه(های) مسلط در هر کشوری است (همان). با تکیه‌بر این مفهوم، نماهای شهری همان‌طور که پیشتر بیان شد، به‌عنوان بخشی مهم در منظر شهر، از این قاعده مستثنی نیستند. موضوع ارتباط نماهای شهری با قدرت در شهرها در مطالعات شهرسازی، جامعه‌شناسی شهری و جغرافیای انتقادی جایگاه مهمی دارد. زیرا نما نه‌تنها عنصری کالبدی برای حفاظت و زیبایی ساختمان است، بلکه لایه‌ای معنادار در بازنمایی قدرت، هویت و روابط اجتماعی در فضاهای شهری محسوب می‌شود. از این نظر می‌توان ارتباط نما و قدرت را در چند دستهٔ کلی: نما به‌مثابه ابزاری برای بازنمایی قدرت، نما و هژمونی فرهنگی و نما و سرمایهٔ نمادین بررسی کرد.

- نما به‌مثابه ابزاری برای بازنمایی قدرت

فوکو در نظریه‌اش دربارهٔ قدرت، به‌ویژه در آثار دهه ۱۹۷۰، یک چارچوب مفهومی ارائه می‌کند که می‌توان آن را به‌طور مؤثر برای تحلیل فضای شهری به کار گرفت. هرچند فوکو خودش به‌صورت مستقیم «نظریهٔ شهری» ننوشته، اما ایده‌های او دربارهٔ قدرت، فضا، و بدن، به‌طور گسترده در مطالعات شهری، جغرافیای انتقادی، و نظریه‌های معماری استفاده شده‌اند. وی معماری و فضا را وسیله‌ای برای اعمال و بازنمایی قدرت می‌داند. میشل فوکو نیز یادآور می‌شود که قدرت تنها در سطح دولت نیست بلکه در ریزروابط روزمره نیز جریان دارد. بنابراین، نماهای واحدهای مسکونی هم می‌توانند در خدمت «نظارت اجتماعی» و کنترل کنش‌ها باشند. لفور معتقد است نما را می‌توان همچون «متن» خواند. نماها حامل نشانه‌هایی هستند که قدرت را بازنمایی می‌کنند. نما در این سطح، رسانه‌ای است برای «بیان قدرت»؛ چه قدرت سیاسی و چه قدرت اقتصادی. در نظریه‌های لفور (Lefebvre, 1991) دربارهٔ «تولید فضا» نیز، فضا محصولی اجتماعی است که توسط نیروهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرد. نماهای شاخص (مانند ساختمان‌های دولتی، برج‌ها یا مراکز تجاری بزرگ) عملاً نماد عینی قدرت در شهر می‌شوند. نماها، با فرم‌ها و مصالح خاص، ابزار نمایش اقتدار حکومت‌ها یا نهادهای اقتصادی نیز هستند. برای نمونه، در شهرهای سرمایه‌داری متأخر، استفاده از شیشه و فولاد در برج‌ها نه‌تنها عملکردی سازه‌ای دارد، بلکه به نوعی «شفافیت قدرت» یا «اقتدار سرمایه» را نمایش می‌دهد (Harvey, 2008). فضا همواره میدان نیروهای متضاد است. نماها در این میان «ابزار تثبیت» نظم مسلط هستند؛ زیرا شکل ظاهری شهر را به نحوی طراحی می‌کنند که مشروعیت قدرت را عینی سازد

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]
[DOI: 10.22034/3.9.48]

(Lefebvre, 1991).

• نما و هژمونی فرهنگی

مطالعات نشانه‌شناختی در معماری و شهرسازی نشان می‌دهد که نماها و ساختارهای شهری بار معنایی فراتر از کاربرد صرف دارند؛ آن‌ها حامل معانی ایدئولوژیک، فرهنگی و سیاسی‌اند. فضاهای شهری در بسیاری موارد بازتاب گفتمان غالب‌اند. برای مثال، در دوران پهلوی در ایران، استفاده از معماری نئوکلاسیک و مدرن در نماهای دولتی، نشانه‌ای از مدرنیزاسیون و همسویی با غرب بود (Khosravi, 2010). همچنین فوکو (Foucault, 1977) با مفهوم «نظارت»[7] نشان می‌دهد که چگونه کالبد شهری می‌تواند ابزاری برای کنترل باشد. نماهای طراحی‌شده در پروژه‌های مسکن اجتماعی یا میدان‌های عمومی می‌توانند نه فقط زیبایی‌شناسی، بلکه الگوی رفتاری ساکنان و رهگذران را نیز تحت تأثیر قرار دهند. شارون زوکین (Zukin, 1991) در کتاب «چشم‌اندازهای قدرت» بیان می‌کند که ساختارهای شهری و نماها می‌توانند حامل پیام‌های سیاسی و نمادهای قدرت باشند؛ نمونه‌هایی مانند یادبودها، مراکز حکومتی یا حتی خود شهرها عملی از تثبیت هژمونی یا تولید هویت جمعی هستند. نماها روایتگر هویت‌های جمعی هستند. دولت‌ها اغلب از نما به‌عنوان ابزار «ملت‌سازی»[8] استفاده می‌کنند؛ با بازتاب نمادهای تاریخی، سنتی یا مدرن در سیمای شهری. اینجاست که بحث «هژمونی فرهنگی» بوردیو (Bourdieu, 1984) معنا پیدا می‌کند: نماها تفاوت‌های طبقاتی و ذائقه‌های اجتماعی را تثبیت می‌کنند و به نوعی سرمایهٔ فرهنگی بدل می‌شوند.

- نما و سرمایهٔ نمادین

دیدگاه‌های افرادی همچون مانوئل کاستلز و دیوید هاروی، شهر را بازتاب روابط تولید و سرمایه‌داری می‌دانند و آن را ابزاری برای بازتولید نابرابری اجتماعی معرفی می‌کنند (Prker, 2003). بوردیو (Bourdieu, 1984) نیز مفهوم «سرمایهٔ نمادین»[9] را مطرح می‌کند، در شهرها، نما به‌عنوان بخشی از منظر شهری، به‌عنوان یک سرمایهٔ نمادین، امکان «تمایز اجتماعی و طبقاتی» را فراهم می‌سازد. برای نمونه، نماهای لوکس مناطق بالای شهر اغلب با مصالح گران‌قیمت و طراحی‌های پیچیده ساخته می‌شوند تا برتری اقتصادی-اجتماعی را نشان دهند. این نماها به نوعی «سرمایه‌گذاری در تصویر» هستند که رابطهٔ مستقیمی با قدرت اقتصادی و منزلت اجتماعی دارند. از منظر بارت[10]، نماها «اسطوره» می‌سازند؛ یعنی ارزش‌های اجتماعی-سیاسی را طبیعی جلوه می‌دهند. به‌طور مثال، برج‌های شیشه‌ای-فلزی در کلان‌شهرها نماد عقلانیت تکنولوژیک و برتری سرمایه‌داری معرفی می‌شوند. در نگاه هاروی (Harvey, 2008) نیز، نماها بخشی از فرایند «کالایی‌سازی فضا» هستند. در واقع در این سطح نما به ابزاری جهت بازاریابی و رقابت بدل می‌شود. زیرا ساختمان‌ها نه فقط برای استفاده، بلکه برای نمایش و فروش ساخته می‌شوند. به‌عنوان مثال نماهای لوکس مناطق اعیان‌نشین مصداقی از «قدرت سرمایه»اند: ارزش زمین و سرمایه‌گذاری ملکی به واسطهٔ نماهای پرزرق و برق تقویت می‌شود.

در نهایت برای جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت نماهای شهری متن‌های نمادین قدرت هستند که در چند سطح (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) عمل می‌کنند. از این دیدگاه، شهر نه صرفاً یک کالبد فیزیکی، بلکه میدان مبارزهٔ معانی است و نماها سطحی هستند که این نبرد در آن‌ها به وضوح دیده می‌شود.

محدودهٔ بررسی: شهر قم

سیمای شهری قم در دهه‌های اخیر دچار تغییرات عمده‌ای شده است. این تحولات ناشی از رشد سریع جمعیت، افزایش مهاجرت‌ها، توسعهٔ زیرساخت‌ها و تغییرات فرهنگی بوده است. در گذشته، سیمای شهر بیشتر تحت تأثیر بافت تاریخی و مذهبی قرار داشت، اما با گذشت زمان، ناهماهنگی میان معماری جدید و بافت سنتی افزایش یافته است. این ناهماهنگی باعث کاهش هویت بصری شهر و ایجاد آشفتگی در منظر شهر شده است. شهر قم با قدمتی بیش از ۷۰۰۰ سال، از دیرباز مرکز تجمعات انسانی بوده است. بافت تاریخی این شهر شامل محله‌هایی با معماری سنتی، کوچه‌های باریک، میدان‌های مرکزی و فضاهای مذهبی است. با گذشت زمان و به‌ویژه در دوران معاصر، توسعهٔ شهری به‌صورت افقی و پراکنده صورت گرفته است که منجر به تغییرات عمده در ساختار کالبدی شهر شده است. این تحولات شامل گسترش مناطق مسکونی، تجاری و اداری، افزایش ارتفاع ساختمان‌ها و تغییر در کاربری اراضی بوده است. نماهای شهر قم نیز در دهه‌های اخیر، دچار تغییرات عمده‌ای شده‌اند که در بسیاری از موارد، این تغییرات عدم هماهنگی با بافت تاریخی و هویت مذهبی شهر را موجب شده‌اند. برای مقابله با این چالش‌ها، ضوابط و دستورالعمل‌هایی برای طراحی نماها و جداره‌ها تدوین شده است تا هویت بصری شهر حفظ شود. مناطق بررسی شده در این پژوهش شامل محدودهٔ بافت قدیمی و تاریخی و اطراف حرم شهر قم (شامل شاه حمزه، چاله لؤلؤ، چهارمردان، ارم) است.

یافته‌ها و بحث

• ارزیابی نظری

- اسناد شهری بالادستی

دو سند بالادستی شامل «دستورالعمل ساماندهی نماهای

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]

[DOI: 10.22034/3.9.4

شـهر قـم» کـه در سـال ۱۳۹۳ و توسـط شـهرداری قـم و «دسـتورالعمل و ضوابـط نمـا و سـیمای شـهری قـم» کـه در سـال ۱۳۹۹ و توسـط شـهرداری قـم تدویـن شـد، به‌عنـوان اصلی‌تریـن اسـناد درخصـوص نمـای شـهر قـم هسـتند. سـند اول، بـا هـدف ارتقـای کیفـی سـیما و منظـر شـهری قـم به‌وجـود آمـد و تمرکـز آن بیشـتر بـر بُعـد ماهـوی نمـا اسـت. سـند دوم کـه ضوابـط و مقـررات ارتقـای کیفـی سـیما و منظـر شـهر اسـت، بیشـتر برنحـوۀ اجـرای کار و بنابرایـن بُعـد رویـه‌ای نمـا متمرکـز اسـت. بررسـی قوانیـن هدایت‌کننـدۀ نمـا در ایـن اسـناد از دو بعـد ماهـوی و محتوایـی و بعـد رویـه‌ای و اجرایـی نشـان می‌دهـد کـه از نظـر ماهـوی، ضوابـط و بندهـای موجـود نشـان‌دهندۀ عـدم وجـود یـک پایـگاه نظـری مشـخص در ایـن حـوزه اسـت. بـه ایـن معنـا کـه تعریـف یـا شـناخت صحیحـی از مسـئلۀ نمـا در ایـن اسـناد وجـود نـدارد. جمع‌بنـدی کلـی ضوابـط و بندهـا نشـان از عـدم مسئله‌شناسـی صحیـح اسـت. از طرفـی چشـم‌انداز و اهـداف مشـخصی نیـز در ایـن سـند وجـود نـدارد. امـا فراینـد تقریبـاً به‌صـورت شـفاف بیـان شـده اسـت. بُعـد رویـه‌ای، ایـن ضوابـط از سـه جهـت قابـل بررسـی اسـت: «طراحـی»، «ارزیابـی و تصویـب» و «اجـرا و پـس از اجـرا». در بخـش طراحـی، ارزیابـی قواعـد و ضابطه‌هـا نشـان‌دهندۀ تفسـیرپذیری آنهاسـت. به‌طـور مثـال در بندهـای: «طراحـی و اجـرای نمـای سـاختمان‌ها بایسـتی بـه صورتـی باشـد کـه بـا منظـر شـهری و مؤلفه‌هـای آن از جملـه خیابـان، و ... متناسـب و هماهنـگ باشـد» یـا :«نماهـای جانبـی مشـرف بـه معبـر اصلـی می‌بایسـت بـا طـرح مناسـب قاب‌بنـدی و اجـرا گـردد» کلماتـی همچـون متناسـب و یـا هماهنـگ بـودن را می‌تـوان تفسـیر شـخصی کـرد. ایـن قواعـد شـفاف نیسـتند و حتـی در برخـی مـوارد الـزام‌آور نیـز هسـتند. به‌طـور مثـال در بنـد «پنجره‌هـا ترجیحـاً هماهنـگ و در تناسـب بـا خطـوط نمـای مجاوریـن باشـد و بـا فـرم مسـتطیل یـا مربـع توصیـه می‌گـردد. اسـتفاده از فرم‌هـای نامتناسـب و نامتعـارف بـا معمـاری اصیـل ایرانـی ممنـوع اسـت. اسـتفاده از فرم‌هـای اسـلیمی و نقـوش ایرانـی بـرای حفـاظ و پنجره‌هـا توصیـه می‌گـردد» کلماتـی مثـل تناسـب شـفافیت نـدارد و تفسـیرپذیر نیـز هسـت، و مـواردی مثـل تأکیـد بـر فرم‌هـای اسـلیمی و یـا شـکل‌های مربـع و مسـتطیل، کلماتـی الـزام‌آور هسـتند. از طرفـی نیـز الگوهـای مشـخصی بـرای ضوابـط ارائـه نشـده اسـت. در بخـش ارزیابـی و تصویـب سـه رونـد هدایـت و کنتـرل، فراینـد گـردش کار و کمیته‌هـای نمـا قابـل بررسـی هسـتند کـه بـه نظـر می‌رسـد در بخـش هدایـت و کنتـرل ایـن ضوابـط ضعیـف عمـل می‌کننـد ولـی در دو بخـش دیگـر رونـد مناسـبتری دارنـد. در بخـش اجـرا و پـس از اجـرا، فرایندهـای پایـش، فرجام‌خواهـی، نظـارت پـس از اجـرا و مشـوق‌های مالـی عمـلاً وجـود ندارنـد و تحقق‌پذیـری ضوابـط نیـز بـا توجـه بـه نتایـج، بسـیار ضعیـف بـه نظـر می‌رسـد. تصویـر ۳ به‌طـور خلاصـه ارزیابـی ابعـاد قوانیـن هدایت‌کننـدۀ نمـا در شـهر قـم را نشـان می‌دهـد.

در نهایـت از بررسـی آیین‌نامه‌هـای نمـا در شـهر قـم می‌تـوان هفـت مشـکل در ارزیابـی نظـری ایـن آیین‌نامه‌هـا بیـان کـرد. در درجـۀ اول ایـن آیین‌نامه‌هـا پایـگاه نظـری و فلسـفی مشـخص و ازپیـش معلومـی ندارنـد، دوم، اهـداف ایـن آیین‌نامه‌هـا به‌وضـوح مشـخص نشـده اسـت. درسـت اسـت کـه در ابتـدای ایـن اسـناد اهدافـی ذکـر شـده، ولـی بسـیار کلی هسـتند. سـوم، شـفافیت در وهلـۀ اول در محتـوا و در وهلـۀ دوم در فراینـد وجـود نـدارد. چهـارم، در بسـیاری مـوارد ضوابـط بـه کلی‌گویـی بسـنده کرده‌انـد و وارد جزئیـات نشـده‌اند. پنجـم، در برخـی مـوارد بندهـا الـزام‌آور هسـتند و امـکان خلاقیـت و نـوآوری از معمـار و طـراح را سـلب کرده‌انـد. ششـم، الگویـی بـرای طراحی‌هـا ارائـه نشـده اسـت و هفتـم، بسـایری از بندهـا خاصیـت تعمیم‌پذیـری دارنـد یعنـی می‌تـوان ایـن ضوابـط را در هرشـهر دیگـری نیـز اجـرا کـرد و صرفـاً مختـص بـه شـهر قـم بـا ویژگی‌هـای فرهنگـی، تاریخـی، اجتماعـی و اقلیمـی آن نیسـتند. بنابرایـن بـه نظـر می‌رسـد مهمتریـن ایـراد ایـن اسـناد، ایـراد در «روش کار» اسـت (تصویـر ۴).

• ارزیابی عملی (اجرایی)

در ایـن بخـش جهـت ارزیابـی نماهـای شـهر قـم طـی پایـش و مشـاهدۀ میدانـی، براسـاس مؤلفه‌هـا و معیارهـای ارزیابـی نمـا براسـاس مبانـی نظـری موجـود، در نماهـای برداشـت شـده، براسـاس اسـتدلال نگارنـدگان مـورد سـنجش قـرار گرفـت. به‌دلیـل تعـدد مـوارد نیازمنـد بررسـی و از طرفـی محدودیـت مقالـه، صرفـاً چنـد مـورد از از هـر معیـار بررسـی و ارزیابی شـده اسـت (جـدول ۱).

به‌طورکلـی می‌تـوان از نظـر اجرایـی و عملـی، نماهـای شـهر قـم را ناهماهنـگ و نامتناسـب و حتـی در برخـی مـوارد مغایـر و متضـاد آیین‌نامه‌هـای مصـوب نمـا ارزیابـی کـرد. بـه نظـر می‌رسـد علیرغـم وجـود ضوابـط مشـخص در خصـوص طراحـی و اجـرا، نماهـا از ایـن قواعـد پیـروی نکـرده و بنابرایـن ایـن ضوابـط در اجـرا چنـدان موفـق عمـل نکرده‌انـد. بـا توجـه بـه ارزیابـی نظـری کـه در بخـش قبـل بحـث شـد، از ارتبـاط میـان بخـش نظـری و عملـی در حیطـه تحقق‌پذیـری ضعیـف ارزیابـی می‌شـود. در ارزیابـی نماهـا برخـی مشـکلات مشـاهده می‌شـود: بـه نظـر می‌رسـد طراحـی نماهـا از یـک فرایند مشـخص پیروی نمی‌کننـد و یافته‌هـا در جهـات مختلـف ارزیابـی می‌شـود کـه می‌توانـد به‌دلیـل نبـود پایـگاه فلسـفی و اهـداف مشـخص در بخـش نظـری باشـد. تشـتت زیـادی در نماها مشـاهده می‌شـود. ایـن تشـتت بـه معنـای تکثر نیسـت، بلکـه بـه معنای اغتشـاش اسـت. تحقق‌پذیـری ضوابـط نیـز ضعیـف ارزیابـی می‌شـود زیـرا ملاحظـه می‌شـود کـه برخـی اشـکالات، در ضوابـط عنـوان شـده‌اند ولـی در اجـرا موفـق نبوده‌انـد. در نهایـت بـه نظـر

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]

[DOI: 10.22034/3.9.48]

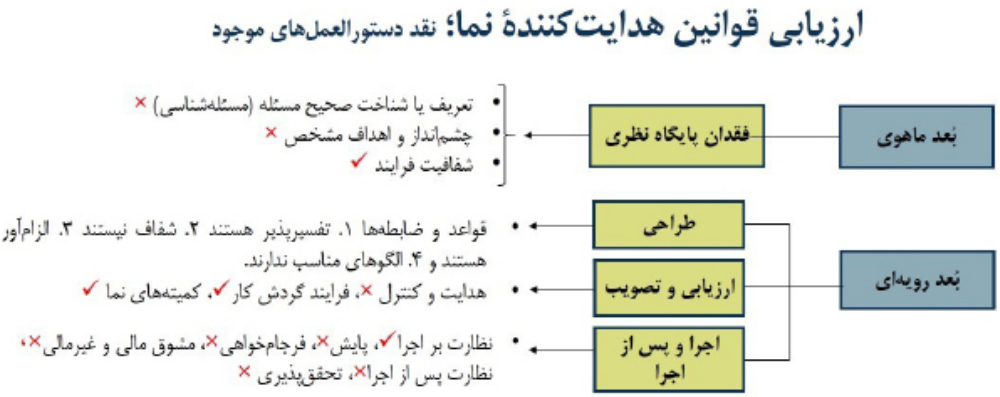

تصویر ۳. ارزیابی قوانین هدایت‌کنندهٔ نما در شهر قم. مأخذ: نگارندگان.

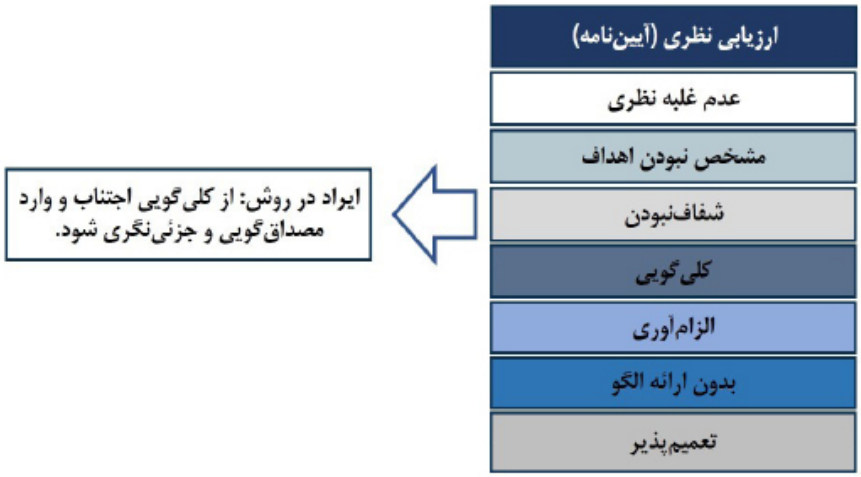

تصویر ۴. ارزیابی و نقد آیین‌نامه‌های موجود در خصوص نما در شهر قم. مأخذ: نگارندگان.

می‌رسد هدایت نماها به‌طور تصادفی و غیر مدیریتی صورت گرفته که نشان‌دهندهٔ عدم تسلط مدیریت شهری در حیطهٔ اجرای نماهاست. بنابراین به‌طورکلی نماهای شهر قم در بافت قدیمی آن همراه با اغتشاش و نابسامانی بصری و ادراکی ارزیابی می‌شود (تصویر ۵).

• یافته‌ها و ارزیابی پرسش‌نامه‌ها

در بخش دوم مطالعهٔ میدانی، تعدادی پرسش‌نامهٔ باز برای دو دسته ارسال شد: دستهٔ اول خبرگان حوزهٔ معماری، شهرسازی و معماری منظر و دستهٔ دوم مسئولان، مدیریت شهری و اساتید دانشگاهی شهر قم. پرسش‌نامهٔ خبرگان با هدف شناسایی مسائل و مشکلات نما در کشور به‌صورت کلی و همچنین جهت دستیابی به ارتباط میان مفهوم قدرت و نما تدوین شد. پرسش‌نامه‌ها در دو گروه متفاوت و هر پرسش‌نامه شامل چهار بخش اصلی بود. مبنای تعداد پرسش‌نامه، اشباع نظری بود که این عدد برای خبرگان ۲۱ و برای مسئولان، مدیران شهری و اساتید دانشگاهی شهر قم ۴۱ نفر بود. پرسش‌نامه‌ها به روش تحلیل مضمون، تحلیل شدند. روش تحلیل مضمون یکی از روش‌های بنیادی تحلیل کیفی است و برای تحلیل مفاهیم پیچیده و مفصل کاربرد دارد. این روش بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند. سپس، از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود. ماهیت این تحلیل، تفسیری است. در این روش داده‌ها در سه مرحلهٔ باز، محوری و انتخابی، کدگذاری می‌شوند. تحلیل پرسش‌نامهٔ خبرگان و کدگذاری آن‌ها در سه سطح، انجام شد. نتایج کدگذاری در جدول ۲ نشان داده شده است.

در نهایت، مضامین پرسش‌نامهٔ خبرگان در شش مضمون ذیل شناسایی شد:

- مضمون ۱: «نما به‌مثابهٔ رسانهٔ قدرت»: نماهای شهری حامل گفتمان‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌اند؛ از ساختمان‌های حکومتی گرفته تا بناهای خصوصی.
- مضمون ۲: «اغتشاش به مثابه بحران حکمرانی و فرهنگ»: پاسخ‌ها نشان می‌دهند که اغتشاش نماها نه صرفاً مسئله زیبایی‌شناسی، بلکه محصول تلاقی سه بحران است:

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]

[DOI: 10.22034/3.9.4

جدول ۱. بررسی ابعاد کالبدی، فعالیتی و معنایی در نماهای شهر قم. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	ابعاد	معیار	تصویر/ارزیابی
۱	کالبدی (بصری، زیبایی‌شناسانه)	مصالح و بافت	 ضعیف■ متوسط□ خوب□ عالی□ استفاده از مصالح نامتناسب با بافت و زمینه و تعدد و تکثر مصالح موجود
		هماهنگی و وحدت بصری	 ضعیف■ متوسط□ خوب□ عالی□ عدم هماهنگی و وحدت بصری در مصالح، رنگ و سبک معماری
		تناسب و مقیاس	 ضعیف□ متوسط■ خوب□ عالی□ در برخی موارد، نمونه‌هایی متناسب با مقیاس انسانی و بافت اطراف مشاهده می‌شود و در برخی موارد نیز این تناسبات رعایت نشده است.
۲	فعالیتی، عملکردی و رفتاری	اقلیم	 ضعیف■ متوسط□ خوب□ عالی□ استفاده از سقف‌های شیبدار و رنگ و مصالح نامناسب، در برخی نمونه‌ها، نشان‌دهندهٔ عدم توجه به اقلیم است.
		همجواری‌ها	 ضعیف■ متوسط□ خوب□ عالی□ همجواری نامناسب در برخی خیابان‌ها موجب شده التقاطی از عملکردهای ناهماهنگ ایجاد شود.
۳	مؤلفه‌های معنایی (هویتی، فرهنگی، تاریخی)	خوانایی	 ضعیف■ متوسط□ خوب□ عالی□ علیرغم اینکه در نماها سعی شده از عناصر معماری ایرانی استفاده شود، ولی استفاده این کار صرفاً منجر به تقلیدی شدن نماها شده است و تأثیر چندانی در خوانایی بهتر محیط ندارد.
		هویت و فرهنگ محلی	 ضعیف■ متوسط□ خوب□ عالی□ نماهای جدید در بافت قدیم شهر قم، بدون توجه به هویت فرهنگی و محلی قم طراحی و ساخته شده‌اند. نماها به‌صورت یکنواخت هستند و تکثر در آنها از بین رفته است.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]

[DOI: 10.22034/3.9.48]

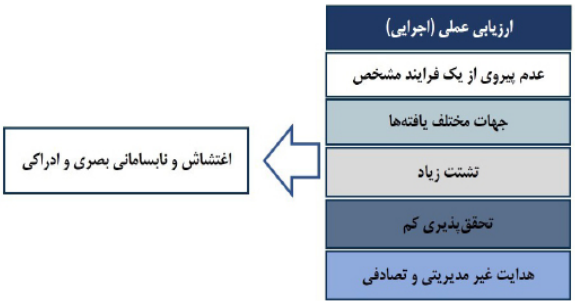

تصویر ۵. خلاصه‌ای از ارزیابی عملی و اجرایی نماها. مأخذ: نگارندگان.

ضعف حکمرانی شهری، تغییر فرهنگ عمومی به سمت مصرف‌گرایی و تجمل، و فقدان اخلاق حرفه‌ای. این دیدگاه اغتشاش را به سطحی کلان‌تر از «طراحی نما» می‌برد؛ یعنی مسأله «سیاست‌گذاری شهری و فرهنگی».

- مضمون ۳: «چندگانگی قدرت و نزاع نمادها»: نماها عرصهٔ نزاع قدرت‌های متنوع‌اند: دولت و ایدئولوژی رسمی، سرمایه‌داران و بسازبفروش‌ها، نهادهای دینی، و حتی طراحان یا مدهای جهانی. این قدرت‌ها هر کدام از نما به عنوان رسانه‌ای برای تثبیت خود استفاده می‌کنند. در نتیجه، شهر تبدیل به صحنهٔ تکثر نمادها شده است؛ تکثری که اغلب بدون هماهنگی و مدیریت بروز می‌یابد و خود به آشفتگی دامن می‌زند.

- مضمون ۴: «غلبهٔ نماد بر کارکرد»: بیشتر پاسخ‌دهندگان، رابطه قدرت و نما را نمادین می‌دانند. نما از کارکرد اقلیمی و سازه‌ای گذشته خود فاصله گرفته و به ابزاری نمایشی بدل شده است: نمایش اقتدار حاکمیت، نمایش ثروت فردی، یا نمایش مد فرهنگی. این تغییر، هم به «ابتذال بصری» (نماهای رومی) منجر شده، هم به «بازنمایی‌های رسمی و دستوری» که آزادی را محدود می‌کند.

- مضمون ۵: «مشروعیت قدرت»: در ارزیابی آثار قدرت، دو گرایش دیده می‌شود:

نگاه انتقادی: قدرت = تحمیل، تک‌صدایی، فساد، بیگانگی.

نگاه مشروط: قدرت اگر متخصص‌محور و اخلاقی باشد، می‌تواند انسجام و عدالت ایجاد کند.

این دوگانه نشان می‌دهد که مسئلهٔ اصلی «چگونگی اعمال قدرت» و «سطح اعمال قدرت» است، نه نفس حضور آن.

- مضمون ۶: «ضوابط به مثابه ابزار ناکافی»: بیشتر پاسخ‌دهندگان به ناکارآمدی ضوابط نما اشاره کردند: یا عامل یکنواختی و تقلیل زیبایی، یا بی‌اثر به دلیل فقدان ضمانت اجرا. تنها در صورتی مثبت ارزیابی می‌شوند که نقش «تسهیل‌گر» داشته باشند و امکان تنوع کنترل‌شده را فراهم کنند. یعنی ضوابط باید از «تحمیل» به «حکمرانی مشارکتی» تغییر یابند.

پاسخ‌دهندگان به‌طور کلی بر این باورند که نماهای شهری نه صرفاً عناصر کالبدی، بلکه رسانه‌ای برای بازنمایی قدرت‌اند. این قدرت در ایران امروز بیشتر در دست نیروهای اقتصادی (کارفرمایان و سرمایه‌داران) و سیاسی (نهادهای حکومتی) است و کمتر توسط نیروهای فرهنگی یا اجتماعی هدایت می‌شود. همین موضوع سبب شده نماها بیشتر نقش نمایش فردیت، ثروت و ایدئولوژی‌های تحمیلی را داشته باشند تا ابزار تقویت هویت جمعی. اغتشاش بصری حاصل نه از تنوع، بلکه از نبود مدیریت جامع، ضوابط متوازن، آموزش تخصصی و فرهنگ عمومی است. پاسخ‌دهندگان تأکید داشتند که نماها باید به‌جای ابزاری برای رقابت‌های طبقاتی و قدرت‌نمایی، به رسانه‌ای برای تقویت هویت، زیبایی‌شناسی مشترک و انسجام اجتماعی تبدیل شوند. در نهایت، ضوابط کنونی ناکارآمد و بیشتر دستوری دانسته شدند. راهکار پیشنهادی، حرکت از کنترل صوری به سمت آموزش، ارتقای اخلاق حرفه‌ای و مشارکت مردمی در شکل‌دهی نماهاست. در ادامه، تحلیل پرسش‌نامهٔ مدیریت شهری و اساتید دانشگاهی شهر قم و کدگذاری آن‌ها نیز در سه سطح، انجام شد. نتایج کدگذاری در جدول ۳ نشان داده شده است.

در پاسخ به پرسش: نماهای قم را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- ارزیابی غالب: مغشوش، ناپیوسته، بی‌ارتباط با زمینه؛ «ناهماهنگی و عدم انسجام»، «آشفتگی بدون توجه به بستر»، «عدم توجه به معنا».

- استثناهای موضعی: «پیرامون حرم» تا حدی یکپارچگی

جدول ۲. کدگذاری پرسش‌نامه باز خبرگان، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی. مأخذ: نگارندگان.

مقولهٔ محوری	کدهای باز	مضمون انتخابی
عوامل اغتشاش	نبود ضوابط، فساد، سلیقه‌گرایی، مدگرایی، تقلید طبقاتی	اغتشاش بصری ناشی از ضعف ساختاری و فرهنگی
قدرت و نما	سیاسی، اقتصادی، فرهنگی/دینی، تخصصی	نما به‌عنوان رسانه و بازتاب شبکه‌های قدرت
ماهیت رابطه	نمادین، کارکردی، ترکیبی	غلبهٔ بُعد نمادین بر کارکردی
پیامدها	مثبت (انسجام، عدالت) / منفی (بیگانگی، ابتذال، تحمیل ارزش‌ها)	قدرت دو لبه: انسجام یا بحران هویت
ضوابط	ناکارآمدی مقررات، تحمیل، لزوم آموزش و اخلاق	ضرورت بازنگری در ضوابط و تکیه بر فرهنگ و مشارکت

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]

[DOI: 10.22034/3.9.4]

فرم/خط آسمان دیده می‌شود.
در پاسخ به پرسش: چه عواملی در اغتشاش نماها مؤثرند؟
۱. ساختاری: تغییرات ارتفاعی و جداره‌های بی‌متولی، بی‌توجهی به تناسبات توده–فضا.
۲. اقتصادی/فرهنگی: چشم‌وهم‌چشمی، سودآوری بسازبفروش، مد و شبکه‌های اجتماعی.
۳. مقرراتی/اجرایی: ضوابط ۳۹۳۱ با شکاف اجرا و نظارت؛ «خیلی کم رعایت می‌شود».
۴. اخلاقی/حرفه‌ای: ضعف اخلاق عمومی/حرفه‌ای، «روابط» بر ضابطه می‌چربد.
در پاسخ به پرسش: «قدرت» چگونه در نماها بروز می‌کند؟
- قدرت مذهبی/نمادین: در هستهٔ تاریخی، قواعد سخت‌گیرانهٔ پیروی از خط آسمان و شکل جداره‌ها؛ بازنمایی وجه مذهبی شهر.
- قدرت اقتصادی/بازار: در پهنه‌های دیگر، میل به نمایش سرمایه/منزلت (رومیِ سنگی، اغراق فرم).
- قدرت مدیریتی (بروکراتیکِ کم‌اثر): کمیته‌ها و ضوابط بدون ضمانت اجرا، بیشتر روی کاغذ.
در پاسخ به پرسش: ضوابط و آیین‌نامه‌ها چقدر مؤثر بوده‌اند؟
جمع‌بندی پاسخ‌ها: «اثرگذاری کم» به‌دلیل نبود نظارت میدانی و ضمانت اجرا؛ گاهی حتی «ضوابطِ دستوری» خود به مقاومت و دورزدن می‌انجامند.
دیدگاه‌های متنوع: از «بازدارندگی همراه تشویق» تا «اصلاً موافق ضوابط نما نیستم و مؤثر هم نیست».
تنها «پیرامون حرم» بخشی از قیود شکلی بیش از جاهای دیگر اجرا شده است.
در نهایت، مضامین پرسش‌نامهٔ خبرگان در شش مضمون ذیل شناسایی شد:
- مضمون ۱: «صورت‌سازی بدون ساختاربندی»: اکثر پاسخ‌ها می‌گویند مسئلهٔ قم «خودِ نما» نیست؛ مشکل در لایهٔ بالاترِ شکل‌دادن فضا، تناسبات توده–فضا و پیوند بافت است. وقتی ساختار درست نشود، «هیچ مقدار قوس و طاق» هویت نمی‌سازد، و تمرکز بر پوسته صرفاً آشفتگی را تشدید می‌کند.
- مضمون ۲: «حکمرانی ضعیف با قدرت‌های نامتوازن»: پاسخ‌ها حاکی از آن است که علیرغم وجود قوانین و کمیته‌ها، «پشتوانهٔ اجرایی و نظارتی» ندارند؛ از این‌رو یا کم‌اثرند یا صرفاً دست‌وپای طراح را در اخذ مجوز بسته‌اند و «دستوری» هستند، بدون اینکه در شهر نتیجهٔ آن‌ها دیده شود. نزدیک حرم، قدرت مذهبی قواعد ویژه (یکپارچه‌سازی خط آسمان) را تحمیل می‌کند؛ بیرون از آن، منطق بازار/مالک دست بالا را دارد. نتیجه، سیمایی دوپاره و متناقض است.
- مضمون ۳: «اقتصادِ توجه و میل به تمایز و تفاخر»: «چشم‌وهم‌چشمی»، مدِ «نمای رومیِ سنگی» و الگوبرداری شبکه‌های اجتماعی، نما را به «ابزارِ نمایش منزلت» بدل کرده؛ اما با اقلیم شهر قم ناهمساز است و حتی گاه خطر ایمنی دارد. در برابر، برخی پاسخ‌دهندگان الگوی «ساده، متناسب با کارکرد و مقیاس، و بوم‌سازگار (آجر)» را می‌پسندند.
- مضمون ۴: «اخلاق»: برخی پاسخ‌دهندگان نیز اشاره به «ضعف اخلاق عمومی/حرفه‌ای» و تسلط «روابط» بر ضوابط را از مسائل نماها در شهر قم دانسته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

منظر شهر، صرفاً عرصهٔ حضور نیروهای معارض نیست، بلکه حاصل برخورد نیروها (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) است. شهر یک میدان نبرد دائمی میان قدرت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. نه‌تنها نخبگان و سرمایه‌گذاران، بلکه مردم عادی نیز در شکل‌دهی به سیاست شهری نقش دارند. بنابراین، توجه به شهر به‌عنوان یک ستیزگاه نیروها، نیازمند توجه هم‌زمان به قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. نما بیان

جدول ۳. کدگذاری پرسش‌نامهٔ باز مدیریت شهری و اساتید دانشگاهی شهر قم، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی. مأخذ: نگارندگان.

مقولهٔ محوری	کدهای باز	مضمون انتخابی
فقدان پیوستگی کالبدی–فضایی	ناهماهنگی/آشفتگی بصری، گسست از هویت مذهبی/تاریخی، عدم توجه به زمینه و بستر، معنامحور نبودن	صورت‌سازی بدون ساختاربندی
اقتصادِ نمایشی و مصرف‌گرایی	متمایز بودن با بقیه نماها، نمایش ثروت، پیروی از مُد تحت تأثیر رسانه‌های اجتماعی	اقتصادِ توجه و میل به تمایز و تفاخر
حکمرانی چندمرکزی و شکاف ضابطه–اجرا	دوگانگی نظر درباره خودِ ضابطه نما، ضرورت سیاست بازدارنده همراهِ تشویق، موافق نبودن با ضوابط نما و مؤثر نبودن آن، رعایت نشدن قوانین و ضوابط	حکمرانی ضعیف با قدرت‌های نامتوازن
ضوابط و آیین‌نامه‌های کم‌اثر یا بی‌اثر		
الزامات بوم‌شناختی و اخلاقی	ضعف اخلاق عمومی و حرفه‌ای، تقدم روابط بر ضوابط	اخلاق

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]
[DOI: 10.22034/3.9.48]

روبنایی از نیروهای محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درون توده‌های ساخته‌شده و فضاهای باز شهری است. در این راستا نماهای شهری در ایران امروز، صحنه‌ای برای بازنمایی همزمان «فقدان حکمرانی یکپارچه» و «چندگانگی قدرت‌ها» هستند. اغتشاش موجود نه صرفاً آشفتگی بصری، بلکه نمود «نبود نظم معنایی» در پیوند میان حاکمیت، سرمایه، فرهنگ و جامعه است. از یک‌سو قدرت‌های رسمی (حاکمیت، نهادهای مذهبی) می‌کوشند ارزش‌های خود را در نماها تحمیل کنند؛ اما چون فاقد سازوکارهای اجرایی و فرهنگی‌اند، نتیجه بیشتر مقاومت و اغتشاش است. از سوی دیگر، قدرت‌های اقتصادی و اجتماعی، با ابزار مُد و بازار، سبک‌های خاص (رومی، نئوکلاسیک، کامپوزیت) را ترویج می‌کنند که با اقلیم و هویت بومی ناهمخوان است. در این میان طراحان و متخصصان نیز یا به بازار تن می‌دهند یا در حاشیه می‌مانند و اخلاق حرفه‌ای و آموزش مغفول می‌ماند. در نتیجه پیامد نهایی، شهری با نماهای متکثر، اما نه به معنای تکثر خلاق، بلکه به صورت آشفتگی، بی‌هویتی و فاصله‌گیری شهروندان از محیط شهر خود است. به نظر می‌رسد برای برون‌رفت از این چرخه، بهتر است به جای «ضوابط دستوری نما»، حکمرانی چندسطحی و مشارکتی بر منظر شهری شکل گیرد؛ آموزش عمومی و تخصصی تقویت شود و نقش نما از یک «پوستهٔ نمایشی» به بخشی از ساختار فضایی و فرهنگی شهر بازگردانده شود.

بنابراین در همین راستا و جهت پاسخگویی به پرسش‌های مقاله که: مهمترین علل نابسامانی سیمای شهر قم چیست؟ و چه قدرت‌هایی بر نماهای شهر قم مسلط هستند؟ آشفتگی نمای قم پس از بررسی‌های میدانی و بررسی نظرات متخصصان، برآیند شش نیرو تشخیص داده می‌شود: ۱. سطح مداخله (توجه به پوسته به‌جای ساختار)، ۲. حکمرانیِ چندمرکزی، ضعیف و نامتوازن با خلأ نظارتی، ۳. اقتصاد نمایشی، ۴. وجود مشکلات فرهنگی ناشی از آموزش نامناسب و حتی عدم آموزش، ۵. تسلط قدرت ایدئولوژیک و ۶. نبود اخلاق اعم از حرفه‌ای و عمومی. این شش عامل، چرخه‌ای خودتقویت‌کننده می‌سازند که دائماً تکرار می‌شود. بنابراین در مجموع چهار قدرت تأثیرگذار هستند: ۱. قدرت‌های اقتصادی که از طرف سرمایه‌گذاران و کارفرماها اعمال می‌شود. ۲. قدرت‌های ایدئولوژیک مذهبی که از طرف ساختارهای حاکمیتی اعمال می‌شوند. ۳. قدرت‌های مدیریتی که توسط نهادهای بالادستی اعمال می‌شود. ۴. قدرت‌های اجتماعی و فرهنگی که هم از طریق مردم و هم از طریق طراحان قابلیت نفوذ دارند (تصویر۶). با توجه به تحلیل‌ها و نیروهای وارده، نهادهای مدیریتی باید بتوانند: ۱. این قدرت‌ها را درست تشخیص داده و ۲. آن‌ها به شکل مناسب بازتوزیع کنند. آنجا که نیروها درست تشخیص داده نشوند، محل، ضعف، اغتشاش و نابسامانی و عدم موفقیت است. بنابراین فرضیه مطرح شده اثبات می‌شود که نوعی بی‌قدرتی بر مدیریت نماهای شهر قم حاکم است که بالطبع بر منظر شهر قم نیز تأثیر گذاشته است. در واقع این عدم قدرت و تشتت اقدامات است که موجب عدم بازدهی ضوابط و در نتیجه نابسامانی، بی‌هویتی و اغتشاش در سیمای شهر قم شده است. اینجا قدرت، نه به معنای عاملی منفی و همچنین مثبت، بلکه به معنای عاملی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود و بی‌قدرتی به معنای توزیع نامناسب قدرت‌ها، توازن نامناسب در سطح اعمال و نفوذ قدرت‌ها و ضعف در مدیریت آن‌هاست.

در نهایت می‌توان چند پیشنهاد و راهکار جهت جلوگیری از نابسامانی نماها و حل معضلات آن در شهر قم پیشنهاد داد:

تغییر مقیاس مداخله: از «تمامحوری» به «توده–فضا»؛

دستورالعمل‌های حجمی/عقب‌نشست‌ها و نه فقط پوسته،

ضمانت اجرا و نظارت میدانی: پیوست اجرایی کمیتهٔ نما (بازدید مرحله‌ای، نظارت حین اجرا، جریمه/توقف کار)، به‌علاوهٔ مشوق برای پروژه‌های منطبق،

اصالت دادن به موضوع آموزش جهت مدیریت «بازار طرح» و ارتقای سواد زیباشناختی: معرفی و ارائهٔ آلترناتیوها و الگوهای مناسب بوم‌سازگار و تشکیل کمپین‌های ارتقای آگاهی و همچنین آموزش عمومی هم در سطح شهروندان و هم در سطح مدیریت و سرمایه‌گذار،

ایجاد تغییر در روش: تغییر روش از ضابطه‌های الزام‌آور به سمت روش‌های مشارکتی و به‌طور خاص ترویجی (مبتنی بر آموزش)،

به‌کارگیری نیروهای متخصص: از مرحلهٔ برنامه‌ریزی تا طراحی، نظارت و اجرا،

اخلاق حرفه‌ای/حاکمیت تعارض منافع: کد اخلاقیِ الزام‌آور و شفافیت فرایندهای تأیید.

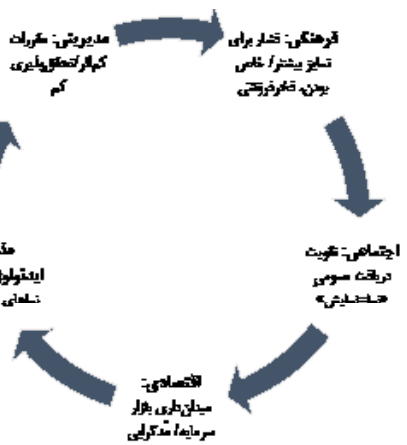

تصویر ۶. چرخهٔ تکرارشوندهٔ انواع قدرت در نماهای شهر قم که در نهایت موجبات اغتشاش و نابسامانی شهر را فراهم می‌کند. مأخذ: نگارندگان.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]

[DOI: 10.22034/3.9.4

اعلام عدم تعارض منافع

نویسـندگان اعـلام می‌دارنـد در انجـام ایـن پژوهـش هیچ‌گونـه تعـارض منافعـی بـرای ایشـان وجـود نداشـته اسـت.

پی‌نوشت‌ها

۱. Symbolic cue
۲. Monumentality
۳. Power
۴. Domination
۵. Authority
۶. Force
۷. Surveillance
۸. Nation-building
۹. Symbolic capita
۱۰. Roland Barthes

فهرست منابع

• غیابی، محمد مسعود. (۱۴۰۱). نقش نما و جداره ها در منظر شهری با تاکید بر زیبایی شناسی محیط. *فصلنامهٔ مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری*، ۵(۲)، ۶۷-۷۵.

• منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). چیستی منظر شهری. *منظر*، ۲(۹)، ۳۰-۳۳. http://www.manzar-raznam.ir/index.php?_elcitra/moc.js-raznam.www//:sptth=gnal?lmth.۵۰۴af

• Alcaraz, T.G. (2024). Decoding urban power: Architecture, symbolism and territorial control in Caracas. *City, Culture and Society*, *39*, 100608. https://doi.org/10.1016/j.ccs.2024.100608

• Alishah, M., Ebrahimi, A., & Ghaffari, F. (2016). The role of buildings facades of on urban landscape (case study: old context of Sari). *The Turkish Online Journal of Design Art and Communication*, 1347-1356. https://doi.org/10.7456/1060AGSE/019

• Atashinbar, M. (2009). The Continuity of Identity in Urban Landscape. *Bagh-e Nazar, 6*(12), 45-56. https://www.bagh-sj.com/article_32.html

• Atarod, F. & Kashi, H. (2018). Constituent Elements of Urban Facade. *Armanshahr Architecture & Urban Development, 10*(21), 173-192. https://www.armanshahrjournal.com/article_58605.html

• Benkovičová, L. (2024). Sustainability, Beauty, and Power in Architecture. *International Journal of Architecture, Arts and Applications, 10*(3), 54-63. https://doi.org/ https://doi.org/10.11648/j.ijaaa.20241003.12

• Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*. Harvard University Press.

• Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2021). *Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design* (3rd ed.). Routledge.

• Cullen, G. (1961). *Townscape.* Architectural Press.

• Dovey, K. (2016). *Urban Design Thinking: A Conceptual Toolkit.* Bloomsbury.

• Esmaili, F., Charehjoo, F., & Hoorijani, N. (2020). Analyzing and Evaluating Facades with a Special Approach to Visual Aesthetics Using the Grid Method (Case Study: Enqelab Street in Sanandaj). *Bagh-e Nazar, 17*(82), 65-78. http://doi.org/10.22034/bagh.2019.165147.3934

• Foucault, M. (1977). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison.* Vintage.

• Gehl, J. (2010). *Cities for People.* Island Press.

• Harvey, D. (2008). *The Right to the City*. New Left Review.

• Heffernan, F. (2024, December 30). *Modern cities as material expressions of power: Interrogating politics and design in Paris, Algiers, and Vienna.* Urban Equity Institute. https://www.urbanequityinstitute.org/modern-cities-as-material-expressions-of-power-interrogating-politics-and-design-in-paris-algiers-and-vienna/

• Jacobs, J. (1961). *The Death and Life of Great American Cities.* Random House.

• Jones, P. (2011). *Architecture, Power and Identities: Surveying the Field.* Liverpool University Press.

• Kasravi, R., & Hashemizadegan, S.A. (2023). A Comparative Study of Sima, Manzar, and Chesm Andaz as Persian Equivalents of Landscape in English. *Manzar, the Scientific Journal of Landscape, 15*(64), 54-59. https://doi.org/10.22034/manzar.2023.393131.2237

• Khakzand, M., Mohammadi, M., Jam, F., & Aghabozorgi, K. (2014). Identification of factors influencing urban facade's design with an emphasis on aesthetics and ecological dimensions Case study: Valiasr (a.s.) *Street –Free Region of Qeshm. Motaleate Shahri, 3(*10), 15-26. https://urbstudies.uok.ac.ir/article_8763.html?lang=en

• Khosravi, S. (2010). *Young and Defiant in Tehran.* University of Pennsylvania Press.

• Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space.* Blackwell.

• Lynch, K. (1960). *The Image of the City.* MIT Press.

• Majidi, M., & Hashemizadegan, S. A. (2025). Landscape and Politics (Conceptology of the Nature and Political Aspects of Landscapes). *Bagh-e Nazar, 21*(141), 15-26. https://doi/10.22034/bagh.2025.500586.5745

• Martinelli, P.M. (2019). *Inside the Façade: The Inhabited Space between Domestic and Urban Realms.* https://doi.org/10.1111/joid.12163

• Nezhadbahram, Z., & Jalili, S. M. (2021). Explanation of "Urban Power" and Its Effects on the Development Process of Tehran City. *Armanshahr Architecture & Urban Development, 13*(33), 269-280. https://doi.org/10.22034/aaud.2020.208096.2037

• Parker, S. (2003). Politics, people and power. In S. Parker (Ed.), *Urban theory and the urban experience: Encountering the city* (pp. 120-137). Routledge.

• Porta, S., & Renne, J. L. (Eds.). (2019). *The Routledge Handbook of Urban Design Research Methods.* Routledge.

• Pula, D., & Perna, V. (2023). Architecture as Metaphor: Politics and Aesthetics in the Modernist City. *ArchiDOCT, 11(*2). https://iris.uniroma1.it/retrieve/5bc2059f-863f-4d17-bf66-17f7f25a15e9/Perna_Architecture-Metaphor_2023.pdf

• Rahimi, M. (2018). An Investigation and Analysis of the Elements of Urban Power in Historical and Contemporary Periods. *Journal of Iranian Studies, 17*(33), 155-176. https://doi.org/10.22103/jis.2018.2108

• Relph, E. (1976). *Place and Placelessness.* Pion.

• Rodger, R. (2023). The facade of power and the power

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]

[DOI: 10.22034/3.9.48]

of the facade: memory and meaning in Victorian cities. *Urban History, 50*(4), 703-738. https://doi.org/10.1017/S0963926821001000
• Trancik, R. (1986). *Finding Lost Space: Theories of Urban Design.* Van Nostrand Reinhold.
• Yeang, K. (2006). A vertical theory of urban design. In M. Moor & J. Rowland (Eds.), *Urban design futures* (pp. 135-140). Routledge.
• Zarif, A., Alborzi, F., & Sohili, J. (2022). Investigating the Views of Urban Streets in terms of Citizens' Perception (Case Study: Pedestrian May 15, Tehran). *Journal of Applied Researches in Geographical Sciences. 22*(66), 325-341. https://doi.org/10.52547/jgs.22.66.325
• Zandieh, M., & Goodarzian, Sh. (2014). Landscape approach, the success factor of urban tourism. *Bagh-e Nazar, 11*(30), 59-66. https://www.bagh-sj.com/article_6498.html?lang=en
• Zukin, S. (1991). *Landscape of power*. University of California Press.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-09-09]

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله
مجیدی، مریم و افضلی، علیرضا. (۱۴۰۴).نما، نمایش قدرت (نمونهٔ مطالعه شده: نماهای بافت قدیمی شهر قم). *مکتب احیاء*، ۳(۹)، ۴۸-۶۳.

DOI: 10.22034/3.9.48
URL: https://jors-sj.com/article-1-90-fa.html

[DOI: 10.22034/3.9.48]